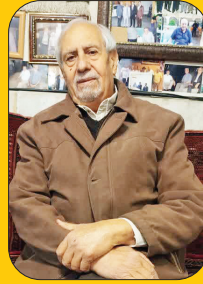


برای منفعت کار نکرد

می فروخت، شاید خیلی مواقع می توانست فروش را با سودهای کلان بفروشد، اما در همه این سال ها ۵۰ درصد بابت کمیسیون روی قیمت فروش می گذاشت و می گفت کاسب باید سود حلال وار ببرد و بیشتر به برکت کسب و کارش که همان رضایت مردم و مشتری باشد فکر کند. «امیر چمن رخ می گوید: «هرگز در کاسبی دروغ نمی گفت و به قول ما بازاری ها هرگز برای جیبش کار نکرد. به همین دلیل حرفش در بازار حجت بود و همه می دانستند حاج احمد در کاسبی دروغ نمی گوید.»

شیوه کسب و کار حاج احمد کریمی اصفهانی در بازار فرش تهران صرفاً مبتنی بر کسب سودهای کلان نبوده است. امیر چمن رخ، رفیق ۶۰ ساله حاج احمد و از تاجران شناخته شده بازار فرش تهران، می گوید: «در بازار فرش شیوه کسب و کار حاج احمد مختص به خودش بود و هرگز تحت تأثیر جو بازار قرار نگرفت. او طی سال های طولانی حضورش در بازار هرگز به قصد منتفع شدن از گرانی و تورم، فرش انبار نکرد. او فرش های گران قیمت را می خرید و بعد از رفو، ترمیم و عدل بندی به تاجران کشورهای مختلف



حجت الاسلام شیخ رضا رضوانی زاده، امام جماعت مسجد سیدولی:

حاج احمد

غصه مردم را می خورد

از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، بزرگان بازار تهران همواره حلقه اتصال بین مردم و مسئولان بودند و حاج احمد کریمی در این ماجرا نقش اصلی را بر عهده داشت. او سال ها به عنوان پل ارتباطی بین مردم و مقامات عالی رتبه کشور با حوصله به دغدغه های مردم گوش می کرد و مشکلات آنها را به مسئولان مربوطه انتقال می داد. حجت الاسلام شیخ رضا رضوانی زاده، امام جماعت مسجد سیدولی، از حاج احمد کریمی به عنوان یکی از بازاری هایی که بدون اعتنا به مشغله های روزمره دغدغه حل مشکلات مردم را داشت نام می برد و معتقد است از ۳۰ سال قبل که به عنوان امام جماعت به مسجد سیدولی بازار آمده تاکنون فردی مانند حاج احمد کریمی اصفهانی ندیده است.

ادای دین به مردم

حجت الاسلام رضوانی زاده از منش و رفتار حاج احمد کریمی می گوید: «خداوند شاهد است که حاج احمد در هر کاری رضایت او را در نظر می گرفت. به همین دلیل شب و روز و عمرش را وقف مردم کرده بود و برای حل مشکلات مردم احساس وظیفه می کرد. مدام می گفت دینی به مردم دارد که باید ادا کند و با چنین ذهنیتی در این سال های طولانی دغدغه های مردم را به مقامات و مسئولان کشوری و لشکری انتقال می داد.»

آب روی آتش ریخت

امام جماعت مسجد سیدولی معتقد است که شیوه حاج احمد کریمی اصفهانی برای انتقال مشکلات جامعه و خواسته های مردم به مسئولان کشور بسیار ساده و در عین حال مؤثر بود: «حاج احمد مدام به مسجد ما می آمد و بعد از اقامه نماز بین مردم می نشست تا به حرف های آنها گوش بدهد. ما جلسات ساده و بی تکلفی در صحن مجلس داشتیم و حاج احمد بعد از هر جلسه خواسته های مردم را به مسئولان انتقال می داد. بعد از آتش سوزی بازار همه کسانی که اموالشان سوخته بود به مسجد آمدند و حاج احمد هم به اتفاق معاون شهردار تهران و نماینده دادستانی آمد تا به حرف آنها گوش بدهد. این جلسه حکم آب روی آتش را داشت و حاج احمد به واسطه ارتباطاتی که با مقامات عالی رتبه نظام داشت مشکلات را حل و فصل کرد.»

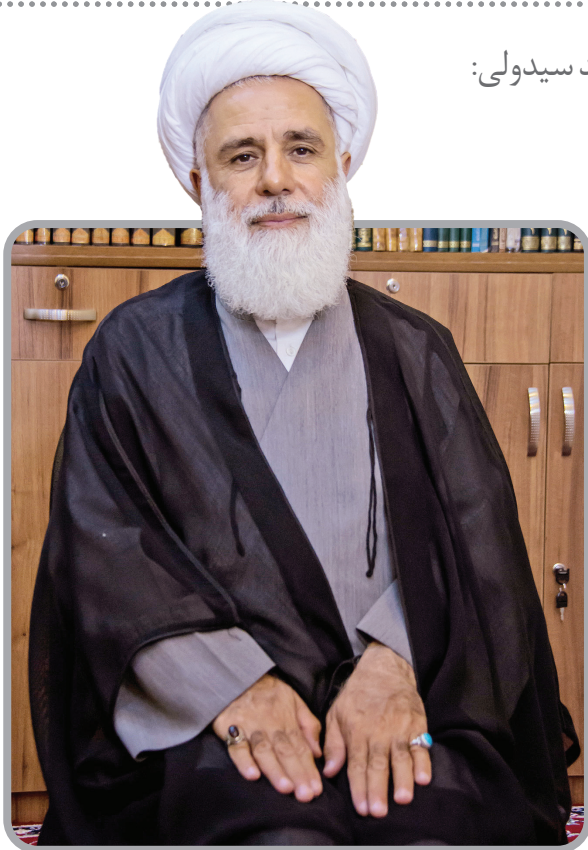
زیر زمین خانه پایگاه نشست های انقلابی بود

حاج احمد کریمی برای پیروزی انقلاب هزینه های بسیاری پرداخت کرد. او در آغاز، جزو نخستین اعضا و مؤسسان هیأت مؤتلفه بود و فعالیت های انقلابی بی شماری برای به ثمر نشستن انقلاب انجام داد. قبل از دوران انقلاب هم با حاج آقا اسماعیلی و حاج آقا امانی هم‌رزم بود.

مهدی کریمی، فرزند احمد کریمی، درباره فعالیت های انقلابی پدرش می گوید: «پدر و عمویم در دوران انقلاب در زمینه توزیع و انتشار اعلامیه و اعلامیه ها یا جابه جایی سلاح ها اقدامات گسترده ای انجام می دادند. زیر زمین خانه پایگاه نشست های انقلابی بود. به خاطر زیرکی پدرم خانه ما آخرین مکانی بود که لو رفت. همچنین عمویم در کنار امام خمینی (ره) در فرانسه و پاریس بود و پدرم هم هنگام ورود امام و حضور ایشان در مدرسه رفاه فعالیت داشت. علاقه پدر به امام باعث شده بود کار و تجارتش را رها کند و تمام وقتش را به این کار اختصاص دهند.

بعد از انقلاب هم خانه ما محل تشکیل جلسات حزب جمهوری بود. بعد از آن هم، به طور خاص معاون حاج سعیدالله امینی تا زمان حیاتش بود و از سوی دیگر فعالیت های دیگری همسو با جبهه پیروان خط امام و رهبری انجام می داد. در واقع، حضور پررنگ و مستمری در انقلاب اسلامی و بعد از آن داشت. تقریباً می توان گفت در ۲۰ سال گذشته، کار اقتصادی را تعطیل کرد و بیشتر به کارهای عام المنفعه و سیاسی پرداخت. هر چند که اهل سیاست نبود، ولی اعتقاد داشت این فعالیت ها می تواند مقدمه انجام اقدامات بهتر با مبانی اصولی نظام باشد. معتقد بود نیرویی باید سر کار باشد که بر اهداف امام (ره) و رهبر تأکید کند. دیدارهای متعددی با امام داشت و به عنوان نماینده ایشان در این دیدارها دغدغه بازاریان و مردم را به گوش شان می رساند. «بازاریان و انقلابیون از احمد کریمی

اصفهانی به عنوان پای ثابت و حامی کمک های ارسالی و پشتیبانی به جبهه در زمان جنگ تحمیلی و قبل از آن، در دوران انقلاب، یاد می کنند. علاوه بر حمایت های مالی، او به خاطر اعتبار و عزتی که در میان بازاریان داشت، هر زمان برای کمک به پشتوانه مالی بیشتری نیاز بود، کافی بود تا او در بازار دور بزند؛ چندین برابر هزینه مورد نیاز برای انجام کار مورد نظر پول جمع می شد. در همین زمینه می توان به خرید بیش از صد دستگاه آمبولانس یا خودروهای پشتیبانی و فرستادن شان به جبهه برای امور پشتیبانی اشاره کرد.



همنشین افراد عادی جامعه

حجت الاسلام رضوانی زاده معتقد است بازار فقدان حضور او را به شدت احساس خواهد کرد: «حاج احمد با مقامات قضایی و مدیران شهری ارتباط داشت و مورد توجه رهبر معظم انقلاب بود، اما مثل مردم عادی به مسجد می آمد و با یک عبا ساده بین مردم می ایستاد و نماز می خواند. او از مناسباتش به نفع مردم بهره می برد و هرگز دچار غرور و تکبر نشد. او در بازار تهران حرف اول را می زد، اما وقتی به صحن مسجد می آمد و پای صحبت های مردم می نشست خودش را فردی کاملاً معمولی می دانست و اصل بی طرفی را رعایت می کرد. اگر حق با مردم بود از مسئولان انتقاد می کرد، اما گاهی هم مردم را به صبر دعوت می کرد. اگر گاهی مسئولان به درخواست ها توجه نمی کردند، حاج احمد ناراحت می شد و غصه مردم را می خورد.»

با مردم زندگی می کرد

تاجران سرشناس و معتبر تهرانی، راز ماندگاری در بازار بزرگ و پرهیاهوی پایتخت را به اعتبار و اعتماد گره می زنند و بر این باورند که میلیاردها تومان سرمایه، کار اعتمادی را که بین تاجر و مشتری وجود دارد نمی گیرد. احد عظیم زاده، تاجر فرش که سال ها با حاج احمد کریمی اصفهانی بوده، او را صاحب چنین ویژگی هایی می داند و می گوید: «حاج احمد یکی از معدود بازمونده های نسلی بود که در کسب و کار و تجارت صرفاً رضایت خدا را در نظر می گرفت و اساساً به مادیات فکر نمی کرد. او به عنوان فردی انقلابی و متدین وارد بازار شد و می توانست در حجره اش بنشیند و از ارتباط هایی که داشت سود ببرد. اما این شیوه کسب و کار با روحیات او سازگار نبود.»

عظیم زاده همنشینی با طبقه پایین دست جامعه را روشن ترین نقطه زندگی حاج احمد می داند و می گوید: «یکی از عادات های همیشگی حاج احمد این بود که مدام با مردم کوچک و بزرگ معاشرت می کرد و می گفت از این معاشرت ها درس می گیرد. با حوصله فراوان به حرف مردم گوش می کرد و اگر برای هر موضوعی راهکاری داشت با احترام ارائه می داد. حاج احمد به معنای واقعی با مردم زندگی می کرد و حتی برای خرید فرش به گونه ای عمل می کرد که اگر فردی از قشر ضعیف یا متوسط جامعه است متضرر نشود و از آن معامله سود ببرد. این بازرش ترین میراثی است که او برای بازار تهران به جا گذاشت.»

